

## تکیه در زبان فارسی

زهره آسوده

دانشجوی ارشد زبانشناسی دانشگاه بیرجند

دکتر محسن مبارکی

استاد یار دانشگاه بیرجند

### چکیده

تکیه یکی از مشخصه های نوایی گفتار است که ماهیت، نحوه تولید و جایگاه آن در زبان های مختلف متفاوت است و از ترکیب مختصه های تغییر در فشار هوا، اختلاف درجه زیر و بمی و تفاوت در کشش واکه ای حاصل می شود. زبان فارسی از مختصه زیر و بمی استفاده آهنگی می کند لذا از زبان های آهنگین به شمار می رود و تکیه در آن نظام مند و از نوع تکیه زیر و بمی است. تکیه در زبان فارسی ممیز معنی است و بخاطر نقش مهمی که در درک درست پیام زبانی توسط افراد دارد حائز اهمیت است.

مقاله حاضر پژوهشی کتابخانه ای است و در صد د است تا به بررسی ویژگی زبرزنجیری تکیه در زبان فارسی بپردازد. نگارنده ابتدا نکاتی را در مورد جایگاه ظاهر شدن تکیه در انواع کلمات زبان فارسی از جمله اسم، صفت، فعل، قید، حرف اضافه و ادات ربط بر شمرده، سپس به بررسی جایگاه تکیه در سطح جمله و نقش های متفاوت آن یعنی ممیز، تباینی و عاطفی در زبان فارسی پرداخته است.

در زبان فارسی بر حسب مقوله ی دستوری واژه و یا صورت فعلی خاص معمولاً هجای خاصی با تکیه است و هر واژه فقط یک تکیه دارد. در این زبان هر جمله فقط یک تکیه اصلی دارد و تکیه واژه های دیگر آن به صورت خفیف ظاهر می شود.

**کلید واژه ها:** تکیه، زبان فارسی، زیر و بمی، آهنگ

## 1- مقدمه:

عباراتی که پشت سرهم بر زبان رانده می شوند اصطلاحاً رشته کلام خوانده می شوند. این عبارات از به هم پیوستن زنجیروار تکواژها به وجود می آیند و تکواژها نیز از به هم پیوستن با نظم و ترتیب واجها درست می شوند. لذا به واج ها و تکواژها که زنجیروار به هم می پیوندند تا عباراتی را بسازند، واحدهای زنجیری می گویند.

واحدهای زبرزنجیری واحدهای آوایی هستند که پس از برش زنجیره گفتار در هیچ یک از جایگاه های زنجیره گفتار قرار نمی گیرند و الفبای خط از نشان دادن آنها ناتوان است.. مهمترین این واحدها عبارتند از: آهنگ، تکیه، درنگ.

تکیه از مهمترین واحدهای زبرزنجیری گفتار است که اکثر زبان شناسان درباره آن اتفاق نظر دارند، اما جای قرار گرفتن آن در زبانهای مختلف متفاوت است. در برخی زبانها مانند زبانهای چک و مجار جای هجای با تکیه در واژه ثابت است. در برخی زبانها مانند زبان فارسی جای هجای با تکیه را می توان با توجه به مقوله ی دستوری واژه پیش بینی کرد. برعکس، در برخی زبانها جای هجای با تکیه در واژه ها نامشخص است از اینرو بیگانگانی که این گونه زبانها را فرا می گیرند، باید جای هجای با تکیه را نیز در هر واژه یاد بگیرند و این امر، آموزش آن زبان را مشکل تر می کند. برخی زبان ها چند درجه تکیه دارند مانند زبان انگلیسی. در برخی زبانها مانند زبان فرانسه، اصلاً تکیه وجود ندارد. (مشکوه الدینی، 1384، صص 117)

در زبان های مختلف ماهیت و نحوه تولید تکیه، همیشه یکسان نیست. تکیه از نظر تولید، از مختصه های تغییر در فشار هوا، اختلاف در درجه زیر و بمی و تفاوت در کشش واکه ای حاصل می شود. (حق شناس، 1386، صص 122) فشار، زیر و بمی و کشش عناصر نوایی (prosodic elements) گفتار هستند که معمولاً با هجا و بیشتر با مصوتها همراه می شوند. از آنجایی که این عناصر، در ردیف صداها، در زنجیره ای پیاپی و قابل تقطیع قرار ندارند، به آنها عناصر زبرزنجیری نیز می گویند. (مشکوه الدینی، 1384، صص 113)

از لحاظ شنیداری، فشار که همان خروج حجم زیادتر هوا با شدت بیشتر است، موجب افزایش شدت صدا می شود. زیر و بمی نیز ناشی از ارتعاشات صوتی می باشد که ممکن است به صورت زیر یا بم ثابت بماند و یا از زیره بم و از بم به زیر تغییر کند. کشش نیز معمولاً در مورد مصوت ها مشاهده می شود و در صورت اعمال آن به سبب خروج حجم بیشتر هوای بازدم، در زمان طولانی تر، مصوت به طور کشیده تلفظ می شود.

از نظر شنیداری، تکیه به رسایی بیشتر تعبیر می‌شود، در جه رسایی تکیه در افراد مختلف به نسبت بلند یا آهسته صحبت کردن آنها متفاوت است لذا تکیه پدیده‌ای نسبی به شمار می‌آید. (باقری، 1387، صص 140)

در یک واژه، هجایی را که با تکیه ادا می‌شود، هجای تکیه بر می‌خوانند. در برخی زبانها مثل زبان فارسی و انگلیسی، با تغییر جای تکیه، مفهوم و معنی واژه تغییر می‌کند. در این زبانها تکیه ممیز معنی است مثلاً در جمله: «هر کس باید تنها مقاله بنویسد»، برحسب این که تکیه روی هجای آخر واژه تنها یا واژه مقاله باشد، معنی جمله تغییر میکند. در حالت اول منظور ماین است که هر کس باید «به تنهایی و بدون کمک دیگران» مقاله بنویسد، اما در حالت دوم، هر کس باید «فقط» مقاله (و نه چیز دیگر)، بنویسد. (اویسی، 1386)

در جمله «مسعود پدرپدرام آمد»، اگر تکیه روی هجای اول واژه مسعود باشد، به این معنی است که «مسعود» مخاطب است و به او اطلاع داده می‌شود که پدر پدرام آمده است. ولی اگر تکیه روی هجای دوم این واژه باشد، مسعود، نام پدر پدرام است که گوینده، آمدن او را اطلاع می‌دهد.

تکیه را بر اساس کیفیت آوایی آن و نقشی که هر یک از عناصر نوایی در آن بازی می‌کنند به انواع تکیه فشاری و تکیه زیر و بمی تقسیم می‌کنند. (حق شناس، 1386، صص 124)

در تکیه فشاری مختصه فشار هوا، نقش عمده را بازی می‌کند و سایر عناصر نوایی نسبت به آن از اهمیت کمتری برخوردارند تکیه در زبان انگلیسی از نوع فشاری است. در تکیه زیر و بمی، مختصه زیر و بمی دارای نقش اصلی است و سایر عناصر نوایی، ارزش فرعی دارند. تکیه در زبان فارسی از نوع زیر و بمی است.

هر گاه دامنه گستردگی انواع زیر و بمی در امتداد زنجیره گفتار، محدود به واژه باشد، زیر و بمی را نواخت می‌گویند در زبانهای نواختی مثل زبان چینی، یک واژه، می‌تواند با توجه به درجه مختلف زیر و بمی در تلفظ، معانی متفاوتی پیدا کند. هر گاه دامنه گستردگی انواع زیر و بمی در امتداد زنجیره گفتار، محدود به جمله باشد، زیر و بمی را آهنگ می‌نامند و زبان‌هایی که از زیر و بمی، استفاده آهنگی می‌کنند، زبان‌های آهنگین نام دارند. فارسی از جمله زبان‌های آهنگین است. در جمله: «علی آمد»، چنانچه جمله مذکور با زیر و بمی افتان بیان شود، معنی بیانی یا خبری دارد و چنانچه، با زیر و بمی خیزان ادا شود، معنی سوالی می‌دهد و اگر با زیر و بمی یکنواخت تلفظ شود، به معنی ناتمام بودن گفتار و انتظار ادامه آن است.

مقاله حاضر پژوهشی کتابخانه‌ای است. هدف نگارنده در این مقاله آن است که به بررسی الگوی تکیه در زبان فارسی بپردازد. اهمیت و ضرورت بررسی ویژگی تکیه، با توجه به نقش ارتباطی زبان و ممیز معنی

بودن تکیه در زبان فارسی روشن می‌گردد، چرا که عدم توجه به آن، منجر به درک نادرست پیام زبانی می‌شود.

## 2- پیشنهاد تحقیق:

فرگوسن (1957) معتقد است در فارسی، کلمات تکیه پایانی اند وی برای این نظر خود سه استثناء را نیز برشمرده است

الف) تکیه در کلماتی که دارای وند تصریفی هستند غیر پایانی است زیرا جایگاه تکیه با حضور وند تصریفی تغییر نمی‌کند؛ مانند شناسه در فعل شکستم.

ب) تکیه غیر پایانی کلماتی که اشاره به اداتی دارد که در آنها تکیه روی هجای ماقبل آخر است مانند بله، بلکه و غیره.

ج) تکیه ساخت واژی که ناظر بر تغییر جایگاه تکیه در ساخت های ندایی و ساختهای شبه اسنادی است فرگوسن تکیه فعل فارسی را آغازی می‌داند

یار محمدی (1964) به تکیه کلمه، تکیه در گروه ها، وزن، زیر و بمی آهنگ و درنگ به عنوان پدیده های زبرزنجیری اشاره کرده و به مقابله دو زبان انگلیسی و فارسی از این حیث پرداخته است.

صادقی (1386) در مقاله ای تحت عنوان «عوض شدن جای تکیه در بعضی کلمات فارسی» به یک تحول آوایی در زبان فارسی اشاره کرده است وی معتقد است در زمان حافظ، تکیه کلمه «فلانی» روی هجای دوم تکواژ اول یعنی «فلان» قرار داشته است ولی در فارسی معاصر روی هجای آخر این کلمه قرار دارد.

سامعی (1374) عنوان کرده است، بر خلاف تکیه اسم و صفت، در آثار قبلی درباره الگوی تکیه فعل اتفاق نظر وجود ندارد و علت آن، نحوه تکیه پذیری عناصر موجود در فعل و بروز تغییرات مداوم در جایگاه تکیه است. وی تکیه فعل را در فارسی پس رونده می‌داند یعنی همواره میل به آغاز کلمه دارد.

کهنویی پور (2003) در چهارچوب نظریه واج شناسی گروهی یا نوایی، برجستگی در سطوح چهارگانه: کلمه واجی، گروه واجی، گروه آهنگی و پاره گفتار را توضیح داده است.

راسخ مهند (1383، صص 124-122) تکیه را از نظر تولیدی برآیند ترکیب سه همبسته آوایی انرژی، زیر و بمی و کشش تعبیر کرده و از نظر کمی، به انواع تاکیدی، نخستین، دومین و سومین تقسیم کرده است.

مشکوه الدینی (1384، صص 127-118) به بررسی تکیه در واژه‌های اسم، صفت، فعل و حروف اضافه و ربط و تکیه گروه و تکیه جمله پرداخته است و معتقد است همانطور که در هر واژه، تنها یک هجا تکیه اصلی می‌گیرد، در گروه و یا جمله نیز تنها یک هجا در همه گروه و یا جمله، تکیه اصلی می‌پذیرد و تکیه در واژه‌های دیگر به صورت تکیه دومین تخفیف می‌یابد.

اسلامی (1388) تکیه واژه را در زبان فارسی در چهارچوب نظریه واج شناسی لایه ای مورد مطالعه قرار داده است وی به واژگانی بودن تکیه در این چارچوب و تمایز بین دو نوع برجستگی در واژگان و گفتار معتقد است

امینی (1376) در چهارچوب نظریه وزنی، قاعده پایانی چپ رو و قاعده پایانی راست رو را در خصوص تکیه فارسی معرفی کرده است وی قاعده اول را در توجیه فعل‌های پیشونددار و قاعده دوم را در توجیه انواع کلمات و صورت‌های تصریف شده کلمات به کار برده است. خزاعی پور (1383) نقش تکیه را در جمله ساده فارسی بررسی کرده است و معتقد است تکیه جمله، نه تنها تابع قواعد آوایی هر زبان، بلکه متأثر از مقصود گوینده نیز هست.

### 3- تکیه در زبان فارسی: لازم است تکیه را در دو سطح واژه و جمله مورد بررسی قرار داد.

الف) تکیه در سطح واژه زبان فارسی:

به شدت، زیر و بمی و یا کشش که بر روی هجا عمل می‌کند، و آن را نسبت به هجاهای مجاور برجسته و یا مشخص می‌نماید، تکیه گفته می‌شود. ممکن است تنها یکی از سه عنصر یاد شده و یا دو تا از آنها و یا هر سه بر یک هجا ظاهر شود و سبب ایجاد تکیه گردد. به علت همراه بودن عناصر نوایی ذکر شده، هجای با تکیه رساتر شنیده می‌شود. (مشکوه الدینی، 1384، صص 117)

غلامعلی زاده تکیه را برجسته کردن هسته یکی از هجاهای یک واژه چند هجایی نسبت به سایر هجاها در تلفظ می‌داند به عبارت دیگر تکیه را مشخصه‌ای مرتبط با هسته هجا می‌شمارد (1377) در زبان فارسی، بر حسب مقوله دستوری واژه و یا صورت فعلی خاص و اطلاعات صرفی معمولاً هجای خاصی با تکیه است و هر واژه فقط یک تکیه دارد.

- تعداد هجا در جایگاه تکیه تاثیری ندارد و اسم‌ها و صفت‌ها صرف نظر از تعداد هجایشان الگوی تکیه ثابتی دارند این امر در مورد انواع دیگر کلمات نیز صادق است. (اسلامی، 1388)

الف) اسم: 'sar-ke'tâb-kohu'lat-mosâbe'qe

ب) صفت: 'bad-koh'ne-parvar'de-motašax'xes

- در واژه های اسم (مفرد و جمع) و صفت با هر ساخت واژه یعنی ساده، مشتق و مرکب تکیه بر هجای پایانی ظاهر می شود و نیز تکیه هر واژه از هر مقوله دستوری دیگر که در جایگاه اسم یا صفت به کار رود مانند تکیه اسم و صفت، پایانی است. پس در کلمات مرکب نیز تکیه روی هجای تکیه بر سازه آخر واقع می شود. (مشکوه الدینی، 1384، صص 118)

الف) اسم: has'ti-gol'hâ-ketâbxâ'ne-š'a'di

ب) صفت: ku'čak-badax'lâq-baxš'an'de

در جمله: «نمی توانم» واژه جالبی نیست، «نمی توانم» بجای اسم نشسته، پس تکیه آن روی هجای پایانی است.

- تکواژهای اشتقاقی تکیه برند و تکیه واژه را جذب می کنند.

الف) اسم: dadgosta'ri (وند اشتقاقی زری)

ب) صفت: šoxm'gar

- وند های غیر اشتقاقی به دو گروه تصریفی مانند نشانه های جمع (ها،ان) و واژه بست ها مانند ضمیر متصل «-ش» در «لباسش»، تقسیم بندی می شوند. واژه بست ها بر خلاف تکواژهای تصریفی به لحاظ مفهومی بخشی از ستاک خود به شمار نمی روند بلکه اشاره به مفهوم جداگانه ای دارند مثلاً در واژه ی کتابش، -ش (aš) بخشی از کتاب نیست بلکه اشاره به معنایی در خارج از کتاب دارد و به معنای «او» است، در حالی که تکواژهای تصریفی تکیه برند، یعنی وقتی وند های تصریفی به ستاک کلمه افزوده می شوند تکیه کلمه روی تکواژهای تصریفی قرار می گیرد. اگر کلمه ای دارای تکواژهای تصریفی متعدد باشد، تکیه ی کلمه روی دورترین وابسته ی تصریفی واقع می شود. واژه بست ها فاقد تکیه اند و اگر به ستاک افزوده شوند جایگاه تکیه ی کلمه تغییر نمی کند. (اسلامی، 1388)

danešamu'zan -----daneša'muz (وند تصریفی «ان»)

behta'rin (وند تصریفی «ترین» tarin)

dus'tânaš (واژه بست aš)

Moallem'hayešan (واژه بست šan)

'neminešastam

- ویژگی ظاهر شدن تکیه بر هجای پایانی اسم در صورت اضافه شدن نشانه ی «ی» نکره به اسم و تکیه بر نبودن «ی» نکره، می‌تواند به عنوان معیاری برای تشخیص اسمهای مشتق با پسوند |i| «ی» و اسم + |i| (نشانه نکره) باشد. در اسم مشتق تکیه بر روی هجای پایانی |i| و در اسم یا صفت نکره، تکیه روی هجای پایانی اسم و یا صفت است. (مشکوٰۃ الدینی، 1384، صص 119)

- الف) اسم مشتق: bozor'gi

- ب) اسم + نشانه نکره: marde bo'zorgi

- اگر اسم و صفت و قید دارای پسوند باشند، تکیه به پسوند منتقل می‌شود و اگر پیشوندی به این سه گروه اضافه شود، محل تکیه تغییر نمی‌کند (راسخ مهند، 1383)

اسم و صفت با پسوند: 'pir-maher ، pi'ri -mâherâ'ne

اسم و صفت با پیشوند: a'dab-bu'dan ، bia'dab-nabu'dan

- تکیه مصدر همانند تکیه اسم است، چون رفتار نحوی آن مانند اسم است  
naraftan -raftan

- اگر اسم بدون عنصر ندا، در جایگاه ندایی ظاهر شود، تکیه بر هجای آغازی اسم قرار می‌گیرد و در منادای همراه عنصر ندای a «ا» در آخر اسم، جای تکیه در هجای پایانی اسم بدون تغییر می‌ماند.

'Hasan Kojâyi? Ko'dâya

- تکیه در وابسته‌های همین، همان، چه جور، این همه، هیچ نوع، که به همراه اسم می‌آیند، روی هجای آغازی وابسته قرار می‌گیرند، ولی در وابسته‌های چنین / چنان + اسم + ی نکره و همینطور، ترکیب‌های «همه کس»، «فلان کس» و نیز در وابسته ی «کدام» به همراه اسم، تکیه بر هجای پایانی ظاهر می‌شود.

ha'me kas ' - Haman mâh - .in hame dars

- در صورتهای ماضی ساده مانند /goft/ و حال اخباری ساده مانند /darad/ تکیه، بر آخرین هجای

بن ماضی یا مضارع قرار می‌گیرد. ' goftam -' kard -'dâram -' bašand

سامعی (1374) در بررسی خاصی که از تکیه ی فعل به عمل آورده، دو قاعده بنیان کرده است:

- (1) در افعال مثبت، تکیه ی اصلی فعل بر آخرین هجای سازه نخست قرار می گیرد.
- (2) در افعال منفی، تکیه ی اصلی فعل، همیشه بر تکواژ نفی قرار می گیرد.
- از این قواعد می توان نتیجه گرفت:
- (1) اگر عبارتی فعلی دارای پیشوند، قید، حرف اضافه یا اسمی قبل از فعل باشد، تکیه ی فعل بر آخرین هجای پیش فعل قرار می گیرد. پیشوند های تصریفی تکیه را جذب می کنند و پیشوند نفی در فعل نیز تکیه بر است.
- xa'ridameš - xa'ridam - 'nemixarid - 'migoft - 'jala dad - 'Pas dad
- (2) در افعال پیشوندی و افعال مرکب، بخش غیر فعلی دارای نقش پیش فعل اند و تکیه ی فعل بر هجای آخر پیش فعل قرار می گیرد. فعل پیشوندی: fo'ru miraftam
- فعل مرکب: za'min xord
- (3) در صورتهای ساده و مثبت فعل که فاقد پیش فعل و دارای پیشوند (می، ب) باشند، تکیه ی اصلی فعل بر هجای این پیشوند ها واقع می شود. مانند: 'begu - 'miraft
- (4) در فعل ماضی نقلی و بعید، تکیه ی فعل بر هجای پایانی صفت مفعولی قرار می گیرد. ماضی بعید: raf'te budam ماضی نقلی: xor'de ast
- (5) در صورت های فعل امر و نهی، تکیه بر هجای آغازی یعنی پیشوند امری |be| و پیشوند |na| و |ma| قرار می گیرد. -bexân 'naro 'magir -
- (6) در صورتهای فعل آینده، تکیه بر هجای پایانی فعل معین «خواه» ظاهر می شود: مانند xâ'ham xând
- در اکثر قید ها، الگوی تکیه همانند اسم و صفت، تکیه ی پایانی است، اما تکیه در بعضی قید ها مانند: 'guyâ - 'šâyad - balke - agar و بعضی قیدهای تنوین دار، مانند قیدهایی که با عدد ساخته می شوند، آغازین است مانند: 'dovvoman
- در قیدهایی مشترک با صفت نیز تکیه بر هجای پایانی ظاهر می شود مانند: payvas'te (مشکوهه الدینی،



- حروف اضافه در فارسی دو دسته اند: ساده و مرکب. حروف اضافه ی ساده مانند: - Fâ'qede  
ba - ' az - ham'čun - ba'raye ، تکیه ی پایانی اند و مصوت پایانی |e| (کسر اضافه) در آنها  
تکیه نمی گیرد.

حروف اضافه مرکب یا از یک حرف اضافه ساده و یک اسم و یک کسره تشکیل می شوند مانند: Azja'hate  
و یا از یک اسم یا قید و یک حرف اضافه ی ساده درست می شوند مانند: 'pišaz - na'zarbe . تکیه ی  
حروف اضافه مرکب روی هجای تکیه بر سازه ی اسمی یا قیدی است (اسلامی)،

- در حروف ربط ساده و مرکب ، تکیه بر هجای آغازین قرار می گیرد مانند: 'čunke - 'Vali در  
حروف ربط مرکب از « اسم + که » ، تکیه بر هجای پایانی سازه اسمی قرار می گیرد. مانند:  
darsu'ratike (ی نکره تکیه بر نیست) -

- اعداد در فارسی تکیه ی پایانی اند ، مثل اعداد مرکب: 'do-o-šast-o-sad  
تکیه اعداد فارسی با پذیرفتن تکواژهای عدد ترتیبی ساز (om-omi-omin) ، روی این تکواژها قرار می گیرد.  
مانند: čâ'hâr - čâhâ'rom - hâro'mi - čâhâro'min

ب) تکیه در سصح گروه و جمله زبان فارسی: در هر گروه یا جمله تکیه ی اصلی تنها بر یک هجا در یک  
واژه ی خاص ، نسبت به همه ی واژه های دیگر ، ظاهر می شود. هجایی که در واژه ، خارج از جمله ، تکیه  
ی نخستین و اصلی دارد، ممکن است درون گروه یا جمله تکیه ی دومین بگیرد.

- در گروههای اسمی و حرف اضافه ای ، تکیه ی عبارت روی هجای آخر بر آخرین سازه عبارت قرار می  
گیرد مثلاً:

/e tan'bal-pesar /, /naxost va'zir/, /e ho'seyn -ketab/

- در عبارتهایی که شامل اعداد و یا ضمائر و صفات مبهم و نا معین مانند هر، همه، چند، باشند . تکیه ی  
عبارت بر روی هجای تکیه بر نخستین سازه عبارت قرار می گیرد. مانند:

/'chand nafar/, /ha'me kas/, /'se tuman -o-haftad /

- در عبارت هایی که نقش ندایی دارند، تکیه ی عبارت بر روی هجای اول نخستین سازه عبارت قرار می  
گیرد مانند:

!/e tanbal- pesar/ ( یار محمدی، 1374، صص 78)

در زبان فارسی ، هر جمله، فقط یک تکیه ی اصلی دارد و ظاهر شدن تکیه ی اصلی روی هجای  
بخصوصی یکی از واژه های جمله به عوامل متعددی بستگی دارد که یکی از آنها نگرش گوینده به مفهوم آن

واژه یا سایر واژه ها در جمله است. در هر جمله بر حسب موضوع مورد تاکید و یا توجه، تنها یک واژه ی خاص، تکیه ی نخستین می گیرد. ظهور تکیه ی اصلی روی هجایی مشخص از واژه ای در جمله، علاوه بر آن که مفهوم آن واژه را در جمله، برجسته تر می کند، می تواند معنای سایر واژه ها را تحت تاثیر قرار دهد و موجب تغییر آن شود.

جمله ی ساده ی زبان فارسی را می توان به دو بخش موضوع و خبر تقسیم کرد. موضوع بخش اسمی جمله است که خبر راجع به آن اطلاع می دهد. از آنجایی که خبر اطلاع جدید و گزاره ای درباره ی موضوع است و اطلاع جدید از نظر گوینده، مهمتر از موضوع است، تکیه ی جمله روی بخش خبر واقع می شود. پس می توان گفت در جمله ی ساده خبری، تکیه ی جمله روی فعل قرار می گیرد. مانند جمله: روز بعد، پدر از تهران آمد. (تکیه روی واژه ی « آمد » است.)

جمله ی ساده ی خبری با توجه به مقصود گوینده و موقعیت گفتگو، سه ساختار نوایی متفاوت پیدا می کند و تفاوت ساختارها در نقشی است که در انتقال اطلاع ایفا می کنند. این ساختارها را بر حسب نقش شان در جمله، ساختار بی نشان، ساختار مؤکد یا تباین دهنده و ساختار آغاز کننده می نامند. (خزاعی فر، 1384)

در صورتی که جمله از فاعل و عبارت فعلی درست شده باشد، فاعل موضوع جمله است. تکیه ی جمله در ساختار بی نشان، در مورد جمله دارای فعل ساده، روی فعل قرار می گیرد و در صورت وجود گروه فعلی در جمله، تکیه تکیه در داخل گروه فعلی، روی هجای آخر کلمه ی ما قبل هسته ی فعلی واقع می شود.

.š'o'ru š'od dars .dar 'š'ekast

جمله ی ساده، هنگامی ساختار آوایی مؤکد یا تباین دهنده پیدا می کند که تکیه روی یکی از وابسته های جمله قرار گیرد. تکیه، در این ساختارها که معمولاً در محاوره بکار می روند، روی عبارت فعلی یا روی فاعل قرار می گیرند. گاهی یک ساختار نوایی را می توان به گونه های متفاوتی تفسیر کرد و در نتیجه ابهام به وجود می آید.

تکیه ی مؤکد معمولاً روی مفعول مستقیم قرار می گیرد و آن وقتی است که مفعول با حرف تعریف نا معین همراه باشد. علت آن جدید بودن مرجع مفعول برای شنونده و لذا مهم بودن آن از نظر اطلاع رسانی است. در این جمله ها تکیه از جای معمول خود که عبارت فعلی است، روی مفعول، انتقال می یابد و با این کار، توجه شنونده، بیشتر به مفعول جلب می شود.

- واژه ی « علی » دارای تکیه ی تباینی است      faqat 'Ali qabul šod
- پس در جمله ی ساده ی متشکل از اسم و فعل ، تکیه ی جمله روی هجای تکیه بر جمله قرار می گیرد. مانند : mehdi 'raft و در جملات مثبتی که دارای مفعول مستقیم باشند ، تکیه ی اصلی جمله ، اغلب روی هجای تکیه بر مفعول مستقیم قرار می گیرد. (و در جملات منفی معادل، تکیه روی پیشوند نفی فعل قرار می گیرد.)
- Mehdi ketab 'naxarid      .man ke'tab xaridam
- در جملات مثبتی که دارای فعل ربطی هستند ، تکیه ی اصلی جمله ، روی هجای تکیه بر مسند، واقع می شود. (و در جملات منفی معادل، تکیه روی پیشوند نفی فعل قرار می گیرد.)
- Mehdi xas'te benazar mirasad      .Ali vâ'red šod
- در جملات مثبت دارای فعل مرکب ، تکیه ی اصلی جمله بر هجای تکیه بر پیش فعل قرار می گیرد. (و در جملات منفی معادل، تکیه روی پیشوند نفی فعل قرار می گیرد.)
- Mehdi 'xošeš amad
- در جملات پرسشی با کلمه پرسش، تکیه ی اصلی جمله بر ادات پرسش واقع می شود. Chera
- 'rafti?
- ( یارمحمدی، 1374، صص 80)
- در جملات دارای فعل کمکی و فعل اصلی، اگر فعل اصلی جمله ساده باشد، تکیه ی جمله روی هجای تکیه بر فعل اصلی قرار می گیرد و اگر فعل اصلی جمله، مرکب باشد، تکیه ی جمله روی هجای تکیه بر پیش فعل واقع می شود.
- Man bayad 'bemanam      .Mišavad 'goft      .Mâ kâr râ an'jâm xâhim dâd
- در جملات مرکب که از دو جمله ساده درست شده باشند، هر جمله دارای تکیه ی جداگانه است.
- Mehdi 'dars mixânad va man nâme minevisam
- در جملات مرکب پایه و پیرو ، تکیه ی جمله ی پیرو ، روی هجای آخر در آخرین سازه ی آن واقع می شود و جمله ی پایه دارای تکیه ی نرمال است. (همان، صص 82)
- Pesari ke vâred šod , birjan'di ast
- نجفی (1387) برای جای تکیه در زبان فارسی، سه نقش ممیز، تباینی و عاطفی را بر شمرده است :

الف) نقش ممیز: تکیه در این نقش، معمولاً مقوله‌های دستوری از جمله اسم با صفت، اسم معنی با اسم نکره، اسم با اصوات، اسم با منادا، اسم با جمله، صفت بت قید و صفت با فعل را در تقابل قرار می‌دهد: مثلاً صفت: gu'yā قید: guya'

ب) نقش تباینی: تکیه، قسمتی از جمله را نسبت به بقیه جمله برجسته تر می‌کند و باعث تفاوت معنا در جمله می‌شود. تفسیر معنی جمله در بسیاری موارد، وابسته به موقعیت بیرونی یا قرینه‌ی لفظی است. مثلاً در جمله‌ی: قصد تو دیدن رضا است؟ اگر روی واژه‌ی «دیدن» تکیه شود، شاید تفسیر جمله اینگونه باشد: آیا دیدن علی حتماً لازم است و گذاشتن پیغام، کافی نیست؟

ج) نقش عاطفی: تکیه، قسمتی از جمله را نسبت به بقیه جمله برجسته تر می‌کند و حالات روحی گوینده مانند خشم را نشان می‌دهد. (این حالات را با الفبای خط، نمی‌توان نشان داد) نتیجه‌گیری: تکیه در زبان فارسی قاعده مند است و این قاعده مندی می‌تواند نتایج خوبی داشته باشد:

- 1- دانستن و رعایت این قاعده‌ها به انتقال درست پیام زبانی کمک می‌کند و کیفیت ارتباط انسانها را که از نقش‌های اصلی زبان است بهتر می‌کند.
- 2- قاعده مند بودن تکیه باعث می‌شود آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان و یادگیری این زبان توسط آنها راحت تر صورت بگیرد. با یادگیری این قواعد، تلفظ فراگیرندگان این زبان به تلفظ بومی‌های فارسی زبان شبیه تر می‌شود.
- 3- قاعده مندی تکیه در زبان فارسی، شناساندن این زبان را به مردم دنیا آسانتر می‌کند و در گسترش زبان فارسی نقش عمده دارد.
- 4- از این قاعده مندی می‌توان در پردازش زبان از جمله تولید خودکار نوای گفتار، ترجمه‌ی ماشینی، تهیه‌ی واژه‌نامه‌ها و فرهنگ‌ها از روی پیکره‌های متنی بزرگ و استخراج خودکار اطلاعات و غیره استفاده کرد.

#### منابع:

- اسلامی، محرم. (1388). تکیه در زبان فارسی. دو فصلنامه پردازش علائم و داده‌ها، شماره 1، پیاپی 11.
- اویسی، سیروس. (1386). تکیه. مجله رشد آموزش زبان و ادبیات فارسی، دوره بیستم، شماره 4، 38-40.
- باقری، مهری. (1387). مقدمات زبان شناسی. تهران: قطره، ج 11.

حق شناس، علی محمد. (1386). آواشناسی (phonetics). تهران: آگاه، ج 11.  
خزاعی فر، علی. (1383). تکیه جمله در جمله ساده فارسی. فصلنامه فرهنگستان، سال ششم، شماره 4، 47-30.

راسخ مهند، محمد. (1383). معرفی نظریه بهینگی و بررسی تکیه در فارسی. مجله زبان شناسی، سال نوزدهم، شماره 1، 42-46.

سامعی، حسین. (1374). تکیه فعل در زبان فارسی: بررسی مجدد. فصلنامه فرهنگستان، سال اول، شماره 4، 21-6.

صادقی، علی اشرف. (1368). عوض شدن جای تکیه در بعضی کلمات فارسی. مجله زبان شناسی، سال ششم، شماره 1، 23-28.

غلامعلی زاده، خسرو. (1377). ساختن زبان فارسی. تهران: احیاء کتاب، چ 2.

مشکوٰه الدینی، مهدی. (1384). ساخت آوایی زبان. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، چ 3.

نجفی، ابوالحسنی. (1387). مبانی زبان شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی. تهران: نیلوفر، چ 10.

Amini, Afsaneh (1997). on stress in Persian. Toronto working papers in linguistics , 16, 1-20.

Ferguson, C A. (1957). word stress in persian. language, 33, 123-135.

Kahnemuyipour, Arsalan. (2003). syntactic categories and persian stress. In natural language and linguistic Theory, 21, 379-333.

Yar mohammadi, L. (1996). A contrastive phonological Analysis of English and Persian.

shiraz university press:shiraz

Yar mohammadi, L. (1964). A contrastive study of modern English and modern Persian.

the sis , Indana university